



## روش تاریخ نگاری و اندیشه سیاسی ابوعلی مسکویه

مقصود علی صادقی

نموده است و از امکانات دربار آنان برای تألیف آثار خود سود جسته است. او در عصری می زیسته است که امروزه به رنسانس اسلامی شهرت یافته است، که در آن انواع علوم در قلمرو گسترده جهان اسلام به رشد و بالندگی زیادی دست یافته‌اند.

ابوعلی مسکویه، احمدبن محمدبن یعقوب (۳۲۰ هـ ق - ۴۲۰ هـ ق) که به اشتباه به او ابن مسکویه نیز می‌گویند (در حالیکه مسکویه لقب خود اوست نه جد یا پدرش<sup>۱</sup>) از دانشمندان ایرانی قرن چهارم و پنجم هجری است که در دستگاه آل بویه، مدت مدیدی از عمر علمی خود را سپری

## مسکویه خواسته است

### افسانه‌ها را با عقل سازگارتر نماید

### و بدین ترتیب قلمرو افسانه

### و تاریخ واقعی را در هم آمیخته است

### که خود جای بحث مستقلی دارد.

از وی تألیفات متعددی در فلسفه علمی و علوم مختلف، همچون تاریخ، ادب، کلام و دیگر علوم رایج عصر خویش برجای مانده است. شماره تألیفات وی که نام آنها در مأخذ ذکر گردیده است به ۳۱ اثر بالغ می‌شود.<sup>۱</sup> معمولاً در حوزه تاریخ وقتی از مسکویه سخن می‌گویند، او را از نخستین دانشمندان اسلامی می‌دانند که به فلسفه تاریخ عنایت داشته است. این برداشت شاید بیشتر ناشی از مقدمه مسکویه در تجارب الامم باشد که وی در آن هدف خود از تألیف کتاب را چنین بازگو نموده است:

«من چون سرگذشت مردمان و کارنامه شاهان را ورق زدم و سرگذشت کشورها و نامه‌های تاریخ را خواندم، در آن چیزها یافتم که می‌توان از آنها، در آنچه مانندش همیشه پیش می‌آید و همتایش پیوسته روی می‌دهد، پسند گرفت. همچون گزارش آغاز دولتها و پیدایی پادشاهی‌ها و رخنه‌هایی که سپس در آنها راه یافته و کارسازی کسانی که آن رخنه‌ها چاره کردند تا به بهترین روز بازگشت و سستی کسانی که از آن بی‌هش ماندند و رهایش کردند تا کارشان به آشفتگی و نیستی کشید و گزارش شیوه‌هایی از این دست، همچون تلاش در آباد کردن کشور و یک سخن کردن مردم و راست آوردن پندار سپاهیان و فریب‌های جنگی و نیزنگهای مردان، که گاه به زیان دشمن انجامید و گاه به زنده‌نیرنگ بازگشت...»<sup>۲</sup>

اما با مطالعه دقیق کتاب وی، روشن می‌گردد که مسکویه، چندان هم به خواست خود، که در مقدمه متذکر شده است، نایل نیامده است، گویی منظور وی از تألیف خود، تبیین سیر حوادث تاریخی و نتایج ناشی از آنها نیست، بلکه بیشتر بیان ترندها و حیل سیاسی و نظامی است، که فرمانروایان پیشین به کار بسته‌اند تا به موفقیت رسیده‌اند و بنابراین، چنین نیزنگ‌هایی، چون امروزه نیز

برای فرمانروایان کارسازند، آنها را در کتاب خود، به عنوان پیشنهادی برای آنان آورده است. بدین سان وی از بسیاری حوادث مهم تاریخ که در شکل دادن به تاریخ بشر مؤثر بوده‌اند، چشم‌پوشی کرده است، زیرا در اینگونه رویدادها هیچگونه تصرفند و راه حل سیاسی، که حکومت‌گران را به کار آید، یافت نکرده است.

او از تاریخ ادیان و بسیاری جنبه‌های اجتماعی جوامع بشری، در هر دوره، به راحتی چشم‌پوشی نموده است، زیرا آنچه به ادیان مربوط است از امور ماوراء طبیعی و غیربشری محسوب می‌شود و در آن تجربه‌ای عملی یافت نمی‌شود تا بتوان در رویدادها و پیشامدها به کار بست.

آنچه در کتاب وی مشاهده می‌شود، بیشتر تجارب حکومت‌گران است تا تجارب امتها و شاید تا حدی حق به جانب مسکویه باشد، زیرا در جهان باستان، آنچه در یک جامعه بیشتر منشأ اثر داشته است، همان حکومت بوده است و در واقع حکومت رکن اساسی جامعه بحساب می‌آمده است و بدین جهت پرداختن به اجتماعات و تاریخشان، در بین مورخین قدیم کمتر اهمیت داشته است و بیان تاریخ سیاسی هر جامعه به معنای پرداختن به همه تاریخ آن اجتماع به حساب می‌آمده است.

همانگونه که پیشتر نیز یادآوری شد، اینکه مسکویه را دارای دیدگاه‌های فلسفه تاریخی دانسته‌اند، بیشتر ناشی از ادعاهای وی در مقدمه و برخی جاهای دیگر از کتاب وی می‌باشد. وی در اخلاق و سیاست مدّن کتب دیگری نیز دارد که از آن جمله جاودان خرد می‌باشد که متنی پهلوی بوده است و از پیش از اسلام باقی مانده و وی ظاهراً بر ترجمه عربی آن مطالبی از سایر ملل نظیر هند، چین و یونان را نیز بدان افزوده است.<sup>۳</sup>

وی در فلسفه عملی علاوه بر جاودان خرد آثار دیگری همچون سیاست‌الملک داشته است که امروزه نسخه‌ای از آن در دست نیست<sup>۴</sup> و در اخلاق نیز که از شاخه‌های فلسفه عملی به حساب می‌آید نیز آثار مهمی داشته است که برخی از آنان امروزه در دسترس بوده و به چاپ رسیده است که از مهمترین آنها طهارة الاعراق یا تهذیب الاخلاق می‌باشد.<sup>۵</sup>

ظاهراً مسکویه در فلسفه نظری کمتر دارای شهرت است و تألیفات مهمی در این باب از وی به جای نمانده است. وی با فیلسوف بزرگ عصر خود ابن سینا ارتباط داشته است و آنگونه که از سخن ابن سینا برمی‌آید اطلاعات وی در این زمینه چندان وسیع نبوده است. قفطی در تاریخ‌الحکما به نقل از ابن سینا درباره مسکویه چنین می‌گوید:

«این مسأله را بر سبیل محاضره با «ابوعلی

## معمولاً در حوزه تاریخ وقتی از مسکویه سخن می‌گویند، او را از نخستین دانشمندان اسلامی می‌دانند که به فلسفه تاریخ عنایت داشته است

رویدادها آزمونی (تجربه‌ای) نباشد و از آن  
نیرنگی نمی‌توان آموخت و تدبیری از بشر باشد  
در آن نتوان یافت.<sup>۹</sup>

او بسیاری از روایت‌هایی را که نویسندگان دیگر به  
شکل افسانه آورده‌اند، سعی کرده است تا با جرح و  
تعدیل، به عقل نزدیک‌تر نماید تا برای خواننده قابل  
قبولتر باشد. مثلاً هنگامی که از بیوراسب (ضحاک) یاد  
می‌کند برخلاف بسیاری از مورخین که معتقدند بر روی  
شانه‌های ضحاک دو مار وجود داشته است و تفصیل  
زیادی نیز در این باره آورده‌اند، وی برای عقلانی کردن  
روایت آن را چنین بیان کرده است:

«... بر دوش وی دو زایده گوشتن برآمده بود که  
به خواست خود، آنها را چون دو دست خویش  
می‌جنبانید و به دروغ می‌گفت که دو مارانند، تا  
فروستان و نابخردان از وی بهراسند. آنها را در  
زیر جامه خویش پنهان می‌داشت.<sup>۱۰</sup>  
البته در عالم اساطیر و افسانه‌ها، امور خارق‌العاده  
همیشه وجود دارد و امری پذیرفته است، ولی مسکویه  
خواستار است افسانه‌ها را با عقل سازگارتر نماید و بدین  
ترتیب قلمرو افسانه و تاریخ واقعی را در هم آمیخته است  
که خود جای بحث مستقلی دارد.

وی همچنین از آوردن روایت‌های مطول و بی‌فایده (از  
نظر خود) خودداری کرده است و معیار وی در آوردن  
خبرها، بیان کامل واقعه نیست، بلکه فایده‌ای است که بر  
اینگونه گزارشها مترتب می‌باشد. بدینگونه است که وقتی  
از جنگ منوچهر با افراسیاب سخن می‌گوید از آوردن  
روایت‌های طولانی خودداری می‌کند:

«ایرانیان در این باره داستانها گویند که در گزارش  
آنها سودی نباشد و سرانجام جنگ میان  
افراسیاب و منوچهر پایان گرفت.<sup>۱۱</sup>  
وی از نقل آمارهای گزاف و دور از عقل نیز خودداری  
کرده است چنانکه در بیان جنگ افراسیاب و کیخسرو  
چنین گوید:

مسکویه «در میان آوردم. به دشواری فهم  
می‌نمود. مکرر اعاده کردم. آخر وا گذاشتم و  
چنانکه بایست فهم نکرد.»<sup>۷</sup>

آنچه در پی خواهد آمد، شامل دو بخش مجزا  
می‌باشد. نخست مواردی چند پیرامون شیوه تاریخ‌نگاری  
مسکویه بیان می‌شود و سپس در بخش دوم، اندیشه‌های  
سیاسی، اداری وی که در خلال کتابش یافت می‌شود، به  
اجمال معرفی خواهد شد. این بخش در واقع معرفی  
برخی ترندها و حیلی است که هدف مسکویه از تألیف  
کتاب تجارب‌الامم شناسایی و معرفی آنهاست.

### شیوه تاریخ‌نگاری مسکویه

اصل کلی در کار مسکویه، همانگونه که پیشتر ذکر  
شد، آوردن روایت‌هایی است که در آنها تدبیری سودمند  
یا نیرنگی وجود داشته باشد، به همین دلیل از آوردن  
معجزات خودداری می‌نماید<sup>۸</sup> و همچنین از حوادثی نظیر  
دوران طولانی بعثت رسول اکرم (ص)، تقریباً چشم‌پوشی  
کرده و در کمال اختصار از آن گذشته است و تنها به چند  
مورد، مانند جنگ خندق و حنین اکتفا می‌نماید و علت این  
امر را بعداً در خلال گزارش نبرد عرب با ایرانیان چنین  
آورده است:

«در آغاز کتاب شرط کرده‌ایم که تنها گزارش‌هایی  
را بیاوریم که در آن تدبیری سودمند برای آینده  
باشد یا نیرنگی که در جنگی زده‌اند و مانند آن. تا  
کسانی که روزی به چنان کارهایی دست می‌یازند  
از آن پند گیرند و ادب بیاموزند. از این رو، این  
جنگها (جنگهای عرب و ایرانیان) را فرو  
نهادیم. لیک چکیده رویدادهایی را که اندک  
سودی در آن باشد خواهیم آورد. از همین رو،  
بسیاری از جنگها و نبردهای پیامبر (ص) را  
نیاورده‌ایم. چه، همه‌شان به کارسازی و یاری خدا  
بود و از آن بود که خداوند یاری خویش را از  
دشمنان خود باز داشته بوده است. در چنین

## گرچه بسیاری از این راه‌حلهای و توصیه‌های سیاسی مستقیماً از طرف مسکویه بیان نشده‌اند، بلکه از زبان شخصیت‌های تاریخی همچون ارسطو، اردشیر، انوشیروان و ... ابراز شده‌اند، اما به هر صورت مسکویه برای تحقق هدف خود از تألیف، آنها را برگزیده و در کتاب خود آورده است

هجری تا سال ۳۶۹هـ.ق از منابع بسیار معتبر به حساب می‌آید، به ویژه برای تاریخ سلسله آل بویه، به علت ارتباط وی با حکومت آنان و مشاهده مستقیم بسیاری حوادث، منبع مفیدی است.<sup>۱۳</sup>

**اندیشه‌های سیاسی، اداری در تجارب‌الامم**  
همانگونه که پیش از این یادآوری شد، ویژگی مهم کتاب مسکویه، اعتنای نویسنده آن به جنبه‌هایی از تاریخ است که در هر دوره می‌تواند کاربرد داشته باشد و هم از این روست که نام اثر خود را نیز تجارب‌الامم (آزمون‌های ملتها) نام نهاده است.

او هرگاه در شرح وقایع به مواردی برخورد کرده است، که برای سیاستمداران هر عصر بتوانند کارآمد باشند به تفصیل آن موارد را شرح داده است و موارد غیر کاربردی را یا مختصر نموده و یا به کلی در کتاب خود نیاورده است. در این قسمت سعی شده است مواردی که در آنها بطور مستقیم یا غیرمستقیم دستورالعمل‌هایی برای حکام و پادشاهان وجود دارد، بیان شود. این موارد بیشتر از دوره تسلط اسکندر بر ایران، دوره ساسانی و تا حدودی دوره اسلامی انتخاب شده‌اند.

گرچه بسیاری از این راه‌حلهای و توصیه‌های سیاسی مستقیماً از طرف مسکویه بیان نشده‌اند، بلکه از زبان شخصیت‌های تاریخی همچون ارسطو، اردشیر، انوشیروان و ... ابراز شده‌اند، اما به هر صورت مسکویه برای تحقق هدف خود از تألیف، آنها را برگزیده و در کتاب خود آورده است و آنها را تجارب قابل کاربرد در سیاست دانسته است. نکته قابل ذکر این است که همه این موارد از مجلد اول کتاب وی انتخاب شده است که این مجلد با ترجمه ابوالقاسم امامی بیشتر در زیرنویس یکی از صفحات معرفی شده است.

مسکویه وقتی از سقوط داریوش سوم (دارا) در اثر حمله اسکندر سخن می‌گوید عللی چند را که باعث این امر گردیدند برمی‌شمارد که مهمترین آنها را انتخاب

«ایرانیان و تورانیان در هم آمیختند و از یکدیگر بسیار بکشتند و افراسیاب بشکست و بتارید. پارسیان شماره کشتگان را چندان کلان گفته‌اند که نوشتن آن را خوش نداشتیم»<sup>۱۴</sup>.

کتاب تجارب‌الامم تاریخی عمومی است و نویسنده آن حوادث تاریخی را به ترتیب سنواتی ذکر کرده است، البته نه به شیوه طبری و ابن‌اثیر که به صورت سالشماری به بیان حوادث تاریخی پرداخته‌اند، بلکه مسکویه حوادث تاریخ جهان را از آغاز تاریخ شاهنشاهی پیشدادیان تا زمان خود به ترتیب ذکر نموده است. وی برخلاف بسیاری مورخان همچون مسعودی و یعقوبی که تواریخ ملتهای گوناگون را به صورت نسبتاً مجزاً در کتاب خود آورده‌اند، چنین تقسیم‌بندی را رعایت نکرده است، بلکه درباره حوادث تاریخی پیش از اسلام، تاریخ ایران را محور قرار داده است و تاریخ دیگر ملل را در ارتباط با تاریخ ایران و به صورت ذیلی بر آن، بیان داشته است.

بدین ترتیب او شرح حوادث تاریخی را از سلطنت هوشنگ پیشدادی آغاز می‌نماید (برخلاف بسیاری از مورخین دیگر که با آدم یا کیومرث شروع می‌کنند) و بخش نخست کتاب وی شامل وقایع تاریخی ایران و دیگر ملل پیش از ظهور اسلام و دربرگیرنده تاریخ پیشدادیان، کیانیان، اشکانیان (ملوک الطوائف) و ساسانیان می‌باشد.

اما در حوادث تاریخی پس از اسلام آنچه چارچوبه اصلی کار وی را در نقل رویدادهای تاریخی تشکیل می‌دهد، تاریخ اسلام و خلافت اسلامی است. پنج مجلد از کتاب شش مجلدی وی شامل حوادث تاریخی پس از اسلام می‌باشد و قسمت انتهایی مجلد نخست نیز حوادث تاریخی سلام تا عصر امام حسن مجتبی (ع) را نیز دربرمی‌گیرد.

رویدادهای تاریخی در کتاب وی به سال ۳۶۹ پایان می‌یابد و با آنکه وی تا حدود ۴۲۰هـ.ق زنده بوده است ولی به دلایلی نامعلوم از ادامه حوادث بازمانده است. بدین جهت کتاب وی برای تحقیق در حوادث قرن چهارم

وزیری نالایق، بدگمانی نسبت به مردم، کینه‌توزی و زورگونی می‌داند که باعث پیوستن عده‌ای از یاران مهتر و سران سپاه اسکندر می‌گردد.<sup>۱۴</sup>

در ادامه بحث وقتی به مشکلات اسکندر در راه حکومت کردن بر ایرانیان و نظرخواهی اسکندر از استاد خود ارسطو می‌پردازد، اختلافات داخلی را بهترین راه برای حکومت بیگانگان بر یک ملت می‌داند و از زبان ارسطو در پاسخ اسکندر چنین می‌گوید:

«مرا رانی است که اگر به کار بندی از کشتنشان سودمندتر است که: شاهزادگان پارس و کسانی را که شایسته کشورداری و آماده این کاربینی، به نزد خویش خوانی و سرزمین‌ها و استان‌ها بدیشان سپاری تا هر یک شاهی سرخود باشند، که در آن هنگام با خود ناسازگار شوند و همگی از تو فرمان برند و از یکدیگر سخن نشنوند و در هیچ کاری همدستان و همسخن نگردند.»<sup>۱۵</sup>

مهمترین قسمت کتاب تجارب‌الامم که در آن صریحاً برای فرمانروایان، جهت اداره حکومت، پیشنهادهای شده است، اندرز اردشیر می‌باشد. این پندنامه سیاسی که به عهد اردشیر (اندرز اردشیر، وصیتنامه اردشیر) موسوم است حاوی دستورالعمل‌های مهم سیاسی است که منسوب به اردشیر بابکان مؤسس سلسله ساسانی می‌باشد. مسکویه با آنکه در بیشتر قسمتهای کتاب خود، خویش را مقتصد به اختصار در نقل مطالب نموده است، اما در اینجا متن مفصل اندرزنامه را از آغاز تا انجام آورده است و این امر با توجه به هدفی که وی از تألیف کتاب داشته است، امر غریبی نیست.

اردشیر در این نامه شاهان را به دو دسته تقسیم می‌کند، اول آنانکه با جهد و تلاش پادشاهی را به دست آورده‌اند (مثل خود اردشیر) و با زحمات خود پایه‌های آن را استوار می‌دارند و شاهان آینده از مرده ریگ اینان استفاده می‌کنند. دسته دوم کسانی هستند که پادشاهی را به راحتی از پدران خود میراث می‌برند. او به دسته اخیر توصیه می‌کند تا زحمات گذشتگان را فرایاد داشته باشند و از کاهلی در امر حکومت و خوش‌گذرانی و فساد بپرهیزند، چه این امور باعث می‌گردند تا این پادشاهان از امور مملکت غافل شوند و نهایتاً موجبات سرنگونی خویش را فراهم نمایند. او پیش بینی می‌کند این دسته از پادشاهان چون قدرت را به راحتی به چنگ آورده‌اند تصور می‌کنند که در راه حفظ آن تلاشی لازم نیست و این تلاش را پیشینیان انجام داده‌اند و اینان صرفاً بایستی از برخورداریهای حکومت بهره‌مند شوند. چنین است که از امور کشورداری غافل می‌گردند و در خوش‌گذرانی و عیاشی

## او معتقد است در امر مملکتداری، قبل از پرداختن به مسائل خارجی بایستی مشکلات داخلی را حل و فصل نمود

غرقه می‌شوند و آنچه گذشتگان با زحمات طاقت‌فرسا حاصل کرده و بدانان سپرده‌اند را به راحتی از دست می‌دهند.<sup>۱۶</sup>

در ادامه همین اندرزنامه او به پادشاهان توصیه می‌کند تا با عامه مردم در تماس باشند و در احوال آنان جستجو کنند، زیرا ارکان دولت معمولاً اموری را که با منافعشان در تعارض باشد به شاه اطلاع نمی‌دهند و صرفاً آنچه را دلخواه و مطبوع خود بدانند با شاه در میان می‌گذارند:

«بدانید، اگر شهریار به کسانی چیز و بزرگان نیز روی آورد و جز وزیران را نیز به خود نزدیک کند و از آنان نیز سخن بشنود، درهائی تازه بر او گشاده شود و از آنچه بروی پوشیده مانده بوده است، آگاه گردد. چه، گفته‌اند: هرگاه شهریار، از آنان که هنوز استوارشان نمی‌دارد پرهیز کند، پرده تاریک بی‌خبری بر او افتد، نیز گفته‌اند. هر چه مردم بیمناک‌تر (و از شاه دورتر) وزیران آسوده‌تر»<sup>۱۷</sup>.

اردشیر بیکاری مردم را از عوامل انحطاط جوامع و حکومتها می‌داند و به فرمانروایان توصیه می‌کند تا مردم را مطابق استعداد و شأن آنها به کار بگمارند، زیرا بیکاری باعث می‌شود تا مردم به جای آنکه سرگرم امور روزانه خود باشند، در کارها بنگرند و در ریشه‌ها بیندیشند و از آنجا که سرشتها ناهمگون است، از گونه‌گونی منشها، روشهای ناهمگون برخیزد و از ناهمگونی روشها دشمنی و کینه‌توزی و خرده‌گیری<sup>۱۸</sup>.

او معتقد است در امر مملکتداری، قبل از پرداختن به مسائل خارجی بایستی مشکلات داخلی را حل و فصل نمود:

«بدانید رزمتان با مردمان دیگر، پیش از جنگیدن با فرهنگ نادرستی که در مردم خودتان است، این نه پاسداری که از دست دادن است. با دل‌هایی که یکرنگ نیستند و دستهایی که دشمن یکدیگرند با دشمنان چگونه می‌رزمید؟»<sup>۱۹</sup>

## از دیگر بخشهای مهم کتاب تجارب الامم، زندگینامه خود نوشته‌ای است منسوب به انوشیروان، که مسکویه آن را به تفصیل نقل کرده است

اردشیر به شاهان اندرز می‌دهد تا با کسانی که دین را وسیله مخالفت با پادشاه می‌نمایند چه سان برخورد کنند و ضمن آنکه این گروه را خطری برای یک حکومت می‌داند که پادشاه نایستی آن را دست کم گیرد، راه مقابله با آنان را تهمت بدعت بر آنان نهادن می‌داند. امری که در طول تاریخ بسیار رایج بوده است؛

بدانید که خردمند ناکام، شمشیر زبان بر شما آخته است، و زبان از تیغ بُرنده‌تر است و سخت‌ترین زخمی که فرود آرد، نیرنگی است که هم از راه دین زند، دین را بهانه کند و وانماید که برای دین، در خشم شود و بر دین بگرید و به سوی دین بخواند. چنین کس را پیروان و پذیرندگان و همدلان و یاران فزونتر باشد. چه خشم مردم را روی پادشاهان و مهرشان را روی با ناتوانان و فرودستان است. از این روی، شاهان پیشین، خرد را در آنان که از ایشان بیم به دل می‌داشتند، به نیرنگ ویران می‌ساخته‌اند. چه خردمند را آبادی تن سود نبخشد اگر خرد را در او ویران کنند. شاهان، کسانی را که از راه دین زخم می‌زدند، به نیرنگ نوآور (بدعت‌گزار، متبوع) می‌نامیدند. پس دین، خود مایه کُشتن ایشان می‌شد و شاهان را از گزند ایشان آسوده می‌ساخته است.<sup>۲۰</sup>

او معتقد است پادشاهان بایستی از چاپلوسان و مستملقان بهره‌یزند و نزدیکان را از کارهای ناشایست بازدارند. همچنین بر آن است که‌هاگر قرار است در امر حکومت اصلاحی صورت گیرد ابتدا بایستی از خواص پادشاه اصلاح شروع شود تا عوام نیز به تبع آنان اصلاح شوند:

«از چاپلوسان بیشتر از آنان که از وی دوری کنند بترسد. از ویژگیان بد، بیش از توده بد بهره‌یزد. شهریار تا آنگاه که راست آوردن ویژگیان را نیاغازد، نباید که در اندیشه راست آوردن توده برآید. بدانید هر پادشاهی را نزدیکانی و نزدیکان

او را نزدیکانی است و هر یک از این نزدیکان را نیز نزدیکانی باشد، تا آنجا که همه مردم، بدینگونه بهم ببینند. شاه اگر نزدیکان خویش را راست آرد، هر یک از آنان نیز با نزدیکان خویش چنین کنند تا سرانجام مردم همگی راست آیند.<sup>۲۱</sup>»

از دیگر بخشهای مهم کتاب تجارب الامم، زندگینامه خود نوشته‌ای است منسوب به انوشیروان، که مسکویه آن را به تفصیل نقل کرده است. انوشیروان نیز همچون سلف خویش، اردشیر، اما بگونه غیر مستقیم، در ضمن شرح اعمال خویش، روشهایی را که یک حکمران بایستی در پیش گیرد تا در امر کشورداری موفق باشد را بیان داشته است.

یکی از اصولی که وی بدان اهمیت بسیار داده است، این است که منافع طبقات مختلف جامعه به همدیگر وابسته می‌باشد و کاستی و فزونی یکی، باعث کاستی و فزونی دیگر خواهد شد، هر چند چنین به نظر آید که ضرر یک طبقه در جهت منفعت طبقه دیگر است. او معتقد است که میان منافع باج‌گزاران (تولیدکنندگان) با منافع سپاهیان (مصرف‌کنندگان باج) تناسبی وجود دارد که بایستی به نفع هیچ کدام، این تناسب را به هم زد:

«چون نیک بیندیشیدم دریافتم که رزمندگان مزدور آبادگران، و آبادگران مزدور رزمندگان اند چه رزمندگان مزد خویش از باج‌گزاران و مردم شهرها گیرند، از آن روی که دشمن از ایشان برانند و در پشتیبانیشان بکوشند. پس بر آبادگران است که مزدشان را دست و بهنگام دهند. چه، آبادانی‌شان جز به اینان انجام نگیرد که اگر در این کار سستی ورزند ناتوانشان کنند و دشمنشان نسیر و مند گردد. پس درست آن دیدیم که باج‌گزاران را از کار خویش بیش از آنچه زندگی بدان برپای دارند و به آبادانی شهرهاشان پردازند نباشد. نیز روا ندانستم که بسود کشور و پاسداران کشور، دست آبادگران را تهی سازم و درمانده‌شان کنم، که اگر چنین کنم به سپاهیان و باج‌گزاران یکجا ستم کرده‌ام.<sup>۲۲</sup>»

مسکویه آنگاه که به تاریخ اسلام می‌پردازد، از بسیاری حوادث چشم‌پوشی می‌کند. به گونه‌ای که کوتاهترین بخش کتاب وی، شرح زندگانی پیامبر اکرم (ص) می‌باشد و از مسائل مهمی همچون بعثت و هجرت پیامبر اسلام (ص) حتی ذکر مختصری هم نکرده است، زیرا اینگونه امور را ماوراء طبیعی می‌داند که در آنها توصیه‌ای سیاسی نمی‌توان یافت بلکه این امور، خارج از توان و



مسکویه آنگاه که به تاریخ اسلام می‌پردازد، از بسیاری حوادث چشم‌پوشی می‌کند. به گونه‌ای که کوتاهترین بخش کتاب وی، شرح زندگانی پیامبر اکرم (ص) می‌باشد و از مسائل مهمی همچون بعثت و هجرت پیامبر اسلام (ص) حتی ذکر مختصری هم نکرده است، زیرا اینگونه امور را ماوراء طبیعی می‌داند که در آنها توصیه‌ای سیاسی نمی‌توان یافت بلکه این امور، خارج از توان و ارادهٔ بشر هستند

ارادهٔ بشر هستند. اما دوران خلیفای راشدین را به جهت وفور مسائل سیاسی و نظامی به تفصیل ذکر کرده است. مسکویه در جایی از فتوحات مسلمین سخن می‌گوید، به خصوص بر تدابیر خالدبن ولید فرمانده مشهور سپاه اسلام، تأکید می‌نماید. این دوران‌دیشی‌های نظامی اوست که در سه جبهه برای مسلمانان پیروزی می‌آفریند: ابتدا در نبرد با مرتدان و پیامبران دروغین، سپس در نبرد با ایرانیان و آنگاه در نبرد با رومیان در سرزمین شام.<sup>۲۳</sup>

#### پی‌نوشت:

۱. برای اطلاع بیشتر دربارهٔ نام مسکویه ر. ک. مسکویه، ابوعلی، تجارب الامم، ترجمه دکتر ابوالقاسم امامی، تهران، انتشارات سروش، ج ۱، ۱۳۶۸، در مقدمهٔ مفصل دکتر امامی بر این اثر ص ۲۱ به بعد.

۲. ر. ک. همان، ص ۲۸ به بعد.

۳. همان، ص ۵۱-۵۲.

۴. برای اطلاع از اصل این کتاب و محتوای آن ر. ک. مقدمه محمدتقی دانش‌پژوه بر جاودان خرد مسکویه ترجمهٔ شرف‌الدین عثمانی قزوینی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۹، ص بیست و چهار به بعد.

۵. ر. ک. مسکویه، تجارب الامم، ص ۲۹.

۶. این کتاب توسط بانو امین بنام اخلاق و راه سعادت به فارسی نیز ترجمه شده است.

۷. ر. ک. فقطی، جمال‌الدین علی، تاریخ الحکما، ترجمه فارسی، به کوشش بهمن دارابی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۱، ص ۲۵۲.

۸. برای نمونه ر. ک. مسکویه، تجارب الامم، ص ۶۹.

۹. همان، ص ۲۵۵.

۱۰. همان، ص ۵۸.

۱۱. همان، ص ۶۲. همچنین در داستان نبرد زاب پور تهماسب با افراسیاب از چنین روشی پیروی کرده است، ر. ک. همان، ص ۶۸.

۱۲. برای اطلاع از محتویات مجلدات شش گانه تجارب الامم. ر.

ک. همان، مقدمهٔ دکتر امامی، ص ۴۰.

۱۳. ر. ک. همان، ص ۸۹.

۱۴. همان، ص ۹۵.

۱۵. ر. ک. همان، ص ۱۱۵.

۱۶. همان، ص ۱۱۸.

۱۷. همان، ص ۱۱۹-۲۰.

۱۸. نیز. ر. ک. ص ۱۳۸.

۱۹. همان، ص ۱۱۹، انوشیروان نیز عامل اصلی سقوط ملتها و حکومتها را فساد و تباهی داخلی می‌داند، برای اطلاع بیشتر رجوع کنید ص ۱۸۳-۴.

۲۰. همان، ص ۱۱۷-۱۸.

۲۱. همان، ص ۱۲۴.

۲۲. همان، ص ۱۷۹.

۲۳. ر. ک. همان ص ۲۵۷ به بعد.

